

چرا کشورهای عربی با اسرائیل قطع رابطه نمی‌کنند؟

دیوید ای روزنبرگ

فانن پالیسی

افکار عمومی در کشورهای عربی به شدت از اسرائیل خشمگین هستند اما حکومت‌های آن‌ها قادر به قطع روابط نیستند. برای بسیاری، اخبار مربوط به «در میدان حاضر شدن جنگنده‌ها و خلبانان اردنی برای دفاع از اسرائیل در برابر موشک‌ها و پهپادهای ایرانی» یک شگفتی بود. در حالی که ۳۰ سال از آغاز روابط دیپلماتیک اردن و اسرائیل می‌گذرد، روابط میان آن‌ها در بهترین حالت ممکن هم روابطی سرد و بی‌روح به حساب می‌آید و از زمان آغاز جنگ در غزه این روابط عملاً فریز شده است. با این حال، اردن تنها کشور عربی نبود که آن شب به دفاع از اسرائیل برخاست. جنگنده‌های نیروی هوایی سلطنتی عربستان سعودی هم در ساقط کردن موشک‌ها و پهپادها نقش داشتند و ریاض به همراه امارات متحده عربی، پیش از حمله ایران، اطلاعاتی حیاتی در این زمینه را در اختیار اسرائیل گذاشته بود. دلایل متعددی در خصوص چرایی مشارکت کشورهای عربی و ایفای نقش آن‌ها در شب حمله ایران مطرح می‌شود. یکی از این دلایل، این است که آن‌ها نمی‌خواستند حمله ایران به کشته شدن تعداد زیادی از افراد و خرابی‌های بسیار منجر شود زیرا اسرائیل در مقابل پاسخ تندی می‌داد و این مسئله خطر بروز یک جنگ منطقه‌ای را بیشتر می‌کرد. در همین راستا، پاسخ اقدام اسرائیل علیه ایران هم محدود بود. دلیل دیگر این است که کشورهای عربی هم کمتر از اسرائیل از نفوذ ایران در عراق، سوریه، لبنان، یمن و تبعات این نفوذ خشمگین نیستند. دلیل مهم دیگر اینکه اسرائیل یک شریک اقتصادی کلیدی برای برخی کشورهای عربی از جمله اردن و مصر به‌شمار می‌رود. این دلایل به خوبی توضیح می‌دهند که چرا ماه‌ها پس از آغاز جنگ در غزه، کشورهای اردن، عربستان سعودی و امارات متحده عربی هیچ گامی علیه اسرائیل برنداشته‌اند. حتی ترکیه نیز در ۹ آوریل گامی در این راستا برداشت و اعلام کرد واردات طیف گسترده‌ای از محصولات اسرائیلی را ممنوع می‌کند اما هیچ کشور عربی چنین کاری را نکرد. در میان کشورهای نام‌برده شده، اردن، وابسته‌ترین کشور به اسرائیل است. این کشور نه‌فقط برای تجارت دوجانبه و سرمایه‌گذاری که برای موضوعاتی حیاتی در نظیر آب و انرژی خود وابسته به اسرائیل است. اردن یکی از وخیم‌ترین شرایط در حوزه آب را دارد. این کشور به‌طور میانگین سالانه ۹۵۰ میلیون مترمکعب آب در دسترس دارد که پاسخگوی نیاز ۱/۴ میلیارد مترمکعبی اردن نیست. براساس توافق سال ۱۹۹۴، اردن سالانه ۵۰ میلیون مترمکعب آب از اسرائیل خریداری می‌کند. با افزایش جمعیت اردن نسبت به آن زمان، این وابستگی نیز افزایش پیدا کرده و حتی از این هم انتظار می‌رود بیشتر شود: در صورتی که اسرائیل و اردن در زمینه تجارت انرژی به توافق برسند، در ازای صادرات انرژی خورشیدی از اردن به اسرائیل، اسرائیل ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب بیشتر به اردن صادر خواهد کرد. پادشاهی اردن از نداشتن منابع قابل اتکالی انرژی نیز رنج می‌برد و گاز طبیعی لازم برای تولید برق و صنایع شیمیایی خود را از اسرائیل تأمین می‌کند. ۷۰ درصد از برق اردن با استفاده از گاز طبیعی تولید می‌شود و تقریباً تمام این گاز از میدان گازی لوبانان می‌آید. مصر هم به‌رغم اینکه خود منابعی دارد، به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری و استهلاک صنایع، نمی‌تواند نیاز خود را تأمین کند و به واردات گاز از اسرائیل وابسته شده است. مصر که دیگر نمی‌تواند گاز خود را صادر کند، به واسطه‌ای برای صادرات گاز از اسرائیل به اروپا نیز تبدیل شده تا موقعیت خود را به‌عنوان هاب گازی مدیترانه حفظ کند. امارات اهداف کاملاً متفاوتی را از رابطه با اسرائیل دنبال می‌کند. منافع اقتصادی امارات از این رابطه به تجارت و سرمایه‌گذاری، تبدیل شدن به هاب لجستیک منطقه، استفاده از فناوری‌های پیشرفته و های‌تک اسرائیل برای تجهیز صنایع خود و مقابله با تغییرات اقلیمی باز می‌گردد. از زمان انعقاد توافق ابراهیم، امارات به یکی از بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات اسرائیلی نیز تبدیل شد. صادرات تسلیحات اسرائیل به امارات از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ از صفر به ۲/۹ میلیارد دلار رسید. به‌رغم این روابط حتی پیش از جنگ نیز افکار عمومی نگاه بسیار منفی به اسرائیل داشتند. براساس نظرسنجی انستیتو واشنگتن، سال گذشته تنها ۱۵ درصد از مردم اردن با تجارت با اسرائیل موافق بودند. در عربستان سعودی این رقم از ۴۲ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۱۷ درصد در سال جاری رسیده است. در امارات نیز به‌رغم نارضایتی عمومی از این مسئله تجارت با اسرائیل همچنان ادامه دارد.



تکس: sputnik

روایای ابرق‌قدرت شدن

نارندرا مودی

و حزب بهاراتیا جاناتا می‌خواهند هند به یک قدرت فرامنطقه‌ای قابل احترام بدل شود

هندی‌ها طی این مدت ثروتمندتر شده‌اند و مطالعات جامعه‌شناسانه در این کشور ثابت می‌کند با افزایش درآمد عمومی و رشد طبقه متوسط، میل توده مردم به درک بیشتر تحولات خارجی و اثرگذاری بیشتر در این حوزه افزایش می‌یابد. نشریه فارن پالیسی با اشاره به یک پژوهش در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ می‌نویسد: «۲۰۰ هزار نفر در این پژوهش شرکت کردند و ۸۲ درصد از طبقه فقیر و کم‌درآمد هند علاقه‌ای به دنبال کردن سیاست خارجی و پاسخگویی به سوالات در این حوزه نداشتند. این رقم در میان ثروتمندان هند ۲۹ درصد بود.»

در حال حاضر درآمد سرانه هند نسبت به سال ۲۰۰۵ بیش از دو برابر شده است و با ثروتمندتر شدن هند و رشد طبقه متوسط در این کشور، توجه‌ها به سیاست خارجی افزایش یافته است. از سوی دیگر، جمعیت ثروتمند بیشتر به سفر رفتن و تعامل با کشورهای خارجی فکر می‌کنند و هندی‌ها هم از این مسئله مستثنی نیستند. در حال حاضر نسبت به سال ۲۰۱۴ که نارندرا مودی به قدرت رسید، تعداد توریست‌هایی که به هند سفر می‌کنند ۳۰۰ درصد افزایش یافته است. تعداد هندی‌هایی هم که در خارج از این کشور زندگی می‌کنند و تعداد شهروندانی که به مسافرت خارجی می‌روند نیز به‌طور قابل توجهی افزایش یافته که مستقیماً نتیجه افزایش درآمد به حساب می‌آید. نشریه فارن افرن نوشته است: «حالا هندی‌ها خواهان احترام بیشتری هستند.»

دو دلیل دیگر برای این مسئله مطرح می‌شود: دلیل اول به تحولات نظم جهانی مربوط است که در آن نظم یکجانبه آمریکایی پساجنگ سرد و پاپسین روزهای خود را سپری می‌کند و کشورهای قدرتمند هرکدام به دنبال آن هستند که جایگاه بهتری برای خود در نظم جدید دست‌وپا کنند. چین با توسعه قدرت اقتصادی تلاش دارد به یکی از بازیگران اصلی نظم جدید تبدیل شود. روسیه که در وضع موجود، نارضایتی‌های زیادی داشت، سعی دارد با قدرت نظامی دیگران را مقهور کند و ایالات متحده که درگیر نظامی‌های داخلی است تلاش دارد جایگاه خود را به‌عنوان یک ابرقدرت حفظ کند. هندی‌ها هم که در گذشته ضربات زیادی از استعمار و دخالت‌های خارجی متحمل شده‌اند، علاقه‌مندند که این بار جایگاه بهتری در نظم جدید داشته باشند و نگرانی‌ها از رشد قدرت‌های دیگر در منطقه از جمله چین، آن‌ها را به توجه بیشتر به حوزه سیاست خارجی سوق داده است. کشورهای غربی نیز که نگرانی زیادی پیرامون رشد چین دارند، ترجیح می‌دهند از طریق سرمایه‌گذاری و همکاری با قدرت‌های منطقه‌ای در پی مهار چین باشند و همین امر فرصتی تاریخی برای خیزش هند فراهم ساخته است. دولت فعلی هند و حزب بهاراتیا جاناتا نیز تأکید زیادی روی مسئله ملی‌گرایی هندی دارند و سیاست خارجی را یکی از پایه‌های جاه‌طلبی خود می‌دانند. مودی بارها روی این مسئله تأکید کرده که یکی از اهداف دولت او، «پایان دادن به ۱۲ قرن بردگی» و آغاز عصری جدید پس از سال‌ها تکرار تجاوز و دخالت خارجی است. در همین راستا، هند از یک سو تلاش کرده با استفاده از فرصت‌هایی نظیر میزبانی از نشست گروه ۲۰ خود را

رایج در میان هندی‌ها وجود داشت که آن‌ها کشور بزرگ و پهنای دارند اما در واقعیت این کشور پهنای اهمیت زیادی در مناسبات جهانی ندارد و نمی‌تواند تأثیرگذاری خاصی داشته باشد. حالا اما این وضعیت تغییر کرده و از نگاه شهروندان هندی، هند یک کشور بزرگ و مهم است.»

داده‌های افکارسنجی‌های صورت‌گرفته در هند نیز این فرضیه را تقویت می‌کند. مرکز مطالعات جوامع توسعه‌یافته (CSDS) در یک برنامه افکارسنجی مشترک با شبکه خبری NDTV به این نتیجه دست یافته است که ۶۳ درصد از هندی‌ها معتقدند جایگاه هند نسبت به سال ۲۰۱۴ که مودی به قدرت رسید، ارتقای قابل توجهی پیدا کرده است. آن‌ها همچنین باور دارند که هند توانسته از نظر فرهنگی جایگاه بهتری به دست بیاورد، خود را به‌عنوان یک قدرت جهانی مطرح کند و جذابیت هند به‌عنوان یک مقصد سرمایه‌گذاری امن افزایش یافته است.

نتایج نظرسنجی ایندیا تودی در فوریه ۲۰۲۴، نشان می‌دهد پس از ماجراهای مربوط به اختلافات قومی هندوها و مسلمانان که نماد آن ساخت یک نماد هندو در برابر یک مسجد قرن پانزدهمی مسلمانان بود، بسیاری از رأی‌دهندگان هندی مودی را با «ارتقای جایگاه جهانی هند» به یاد می‌آورند و این مسئله را میراث دوره حکومت مودی می‌دانند.

▼ خواسته رأی‌دهندگان هندی در حوزه سیاست خارجی چیست؟

هندی‌ها به‌ویژه جوانان و شهرنشینان هندی توجه ویژه‌ای به جایگاه این کشور در تعاملات بین‌المللی دارند. براساس نتایج یک پژوهش که طی آن ۵۰۰۰ نفر از جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله در هند مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، ۸۸ درصد از آن‌ها تأکید دارند که یک مأموریت بسیار مهم برای دهلی‌نو این است که بتواند طی سال‌های آینده یک کرسی دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد را از آن خود کند. ۸۳ درصد این جوانان همچنین باور دارند که هند باید بتواند به عضو دائم گروه ۷ تبدیل شود.

مؤسسه افکارسنجی پیو در آخرین نظرسنجی خود از شهروندان هندی درباره سیاست خارجی، از آن‌ها پرسیده بود که تا چه اندازه از سیاست خارجی دولت نارندرا مودی و تلاش دولت او برای ارتقای جایگاه هند در عرصه بین‌المللی رضایت دارند؟ طی این نظرسنجی، ۶۷ درصد از شهروندان از سیاست خارجی دولت هند رضایت داشتند. هر چند نمی‌توان این نتایج را به‌منزله رأی قطعی این جمعیت به مودی دانست اما دست‌کم ثابت می‌کند سیاست خارجی در هند از حمایت مردمی قابل توجهی بهره می‌برد که توان دهلی‌نو را در چانه‌زنی‌ها و بزنگاه‌ها بالا خواهد برد.

▼ چرا سیاست خارجی برای مردم اهمیت یافت؟

براساس روندی که هند طی دو دهه گذشته طی کرده، نباید از توجه بیشتر مردم این کشور به مسئله سیاست خارجی و ضرورت افزایش قدرت هند در عرصه بین‌الملل متعجب بود.



محمدحسین لطف‌اللهی

خبرنگار گروه بین‌الملل



برای سال‌ها، سیاست خارجی پارامتر مهمی در انتخابات سراسری هند به حساب نمی‌آمد و رأی‌دهندگان معیارهایی چون مشکلات داخلی و موضوعات اقتصادی را به‌عنوان معیارهای مهم انتخاب حزب حاکم مدنظر قرار می‌دادند. اما انتخابات امسال در حالی روز جمعه ۱۹ آوریل آغاز شد و به مدت ۶ هفته ادامه خواهد یافت که نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند و حزب متبوع او، بهاراتیا جاناتا تمرکز زیادی بر موفقیت‌های دهلی‌نو در عرصه سیاست خارجی داشته‌اند و از این عامل برای جلب آرای عمومی استفاده می‌کنند.

براساس نظرسنجی‌ها انتظار می‌رود مودی بتواند برای سومین دوره متوالی نخست‌وزیر هند شود. نتایج نظرسنجی جدید ایپسوس، نشان می‌دهد نرخ مقبولیت عمومی او به بیش از ۷۵ درصد افزایش یافته: در مقایسه با سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۲، رشدی نزدیک به ۱۰ درصدی را تجربه کرده است.

آمیت شاه، وزیر مسکن کابینه مودی در سفر اخیری که به ایالت گوجارات برای برگزاری کارزار انتخاباتی داشت، تلاش کرد تا با مثال آوردن از زندگی نارندرا مودی و معرفی او به‌عنوان فردی که از یک خانواده بسیار فقیر توانسته به اوج قدرت در هند برسد، رأی‌دهندگان را قانع کند که تنها مودی است که می‌تواند همین مسیر را در عرصه جهانی طی کرده و هند را از کشوری فقیر به کشوری قدرتمند و مورد احترام قدرت‌های بزرگ بدل سازد.

نشریه فارن افرن در تحلیلی پیرامون چرایی تبدیل شدن سیاست خارجی به یکی از اولویت‌های کارزارهای انتخاباتی می‌نویسد: «برخلاف انتخابات‌های قبلی در هند، نقشی که دهلی‌نو در عرصه بین‌المللی می‌تواند ایفا کند، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که توده مردم و رأی‌دهندگان به آن توجه می‌کنند. این در حالی است که در حدود یک دهه قبل، این مسئله اهمیت زیادی برای رأی‌دهندگان نداشت. حزب بهاراتیا جاناتا نیز با ملاحظه این وضعیت تلاش کرده تا از آن برای تقویت جایگاه خود در هند استفاده کند. این حزب با تأکید بر اینکه اگر حزب توانسته فردی عادی همچون مودی را به اوج قدرت برساند، می‌تواند همین کار را نیز برای هند در عرصه بین‌المللی انجام دهد.»

میلان واشیناو و کارولین مالوری، پژوهشگران روابط بین‌الملل در مقاله‌ای که اندیشکده کارنگی آن را منتشر کرده، تعبیر تبدیل کردن سیاست خارجی هند از یک موضوع «نخبگانی» به یک مسئله مهم برای «توده‌ها» در خصوص استراتژی حزب بهاراتیا جاناتا استفاده کرده‌اند: «از ابتدای سال ۲۰۱۹ روند این تغییر مشهود بود. رأی‌دهندگان شروع به صحبت درباره جایگاه هند در عرصه بین‌الملل کردند و از این مسئله می‌گفتند که چگونه به‌ری مودی توانست جایگاه دهلی‌نو را در مناسبات جهانی ارتقا دهد. تا پیش از این، یک باور